

در نظام اطلاع‌رسانی، به همان شکلی که در بعضی از کشورها دایر است، نهاد‌های سیاسی و مرجع، امکان، حق و اجازه استثنایی در محدودیت‌سازی دارند و اصل بر اطلاع‌رسانی است و به جواز برگزاری نیازی نیست. در موارد استثنایی هم آن نهاد مرجع می‌تواند جلوگیری کند؛ مثلاً در موارد خاصی کیفیت برگزاری، زمان و مکان را محدود کند. این هم تابعی است از عوامل مختلف، به شرطی که بتوان به حاکمیت و آن نهاد سیاسی که متولی این امر می‌شود، اعتماد کرد. همه این‌ها باید در ساختار حقوقی تعریف و توجیه شود. چگونه توجیه شود و این توجیه به کجا ارائه شود؟ با پذیرش حق فوری اعتراض به تصمیم آن نهاد. اگر نهاد مرجع دوباره محدود کرد، بتوان دوباره به آن اعتراض کرد. این مسئله مربوط به آغاز اعتراض است؛ در این باره باید با نظام مجوزمحور خداحافظی کنیم. برحسب مثالی که زدم اگر بخواهیم در نظام مجوزمحور بمانیم، یعنی انارمان را پنجاه تومان می‌فروشیم و بدون شک جامعه از ما انار پنجاه تومانی نخواهد خرید. بدون تعارف می‌گویید من به اجازه شما نیاز ندارم. الان یاد گرفته‌ام که هر جا خواستم اعتراض کنم. چرا باید منتظر اجازه باشم؟

مسئله سوم شرایط معترض است؛ یعنی چه کسی می‌تواند اعتراض کند؟ در حال حاضر به شکل‌ها و احزاب محدود شده است. درست است که درباره‌اش صراحت قانونی وجود ندارد، ولی عملاً به شکل‌ها و احزاب محدود شده است. معایب این را همه می‌دانند؛ وقتی ساختار سیاسی اجازه تحزب ندهد، عملاً مسیر اعتراض هم بسته می‌شود. اگر احزاب، نماینده بدنه اجتماعی ما نباشند باز عملاً مسیر اعتراض بسته می‌شود؛ بنابراین اینجا هم اگر می‌خواهیم به سمت توسعه حق اعتراض حرکت کنیم باید الگو و ضابطه را طوری طراحی کنیم که علاوه بر تشکل‌ها و گروه‌های به رسمیت شناخته شده، آحاد افراد جامعه هم بتوانند خودشان اعتراض کنند.

آیا شیوه اطلاع‌رسانی چنین امکانی را فراهم می‌کند؟

علی صابری تولایی: در شیوه و نظام اطلاع‌رسانی، من می‌توانم اطلاع‌رسانی کنم که فردا می‌خواهم در کجا اعتراض کنم، و آن نهاد یا مرجع اجازه جلوگیری ندارد. بالاخره باید یک جایی را مشخص کرد. نمی‌توان رها کرد. اصل هم بر این است که اجازه برگزاری دارد. آن نهاد فقط در موارد استثنایی می‌تواند من را محدود کند و در وضع عادی به مجوز او نیاز نیست. اما اگر محدود کند، دیگر من اجازه برگزاری ندارم. یکی از موارد محدودیت می‌تواند این باشد که اطلاع‌رسانی فاقد شرایط شکلی است. الان در انگلیس نظام اطلاع‌رسانی است و باید به پلیس اطلاع بدهند. منتها باید یکسری چیزها را مشخص کنند. چند نفر معرفی شوند، زمان آغاز و پایان، مکان و یکسری جزئیات دیگر را مشخص کنند و اگر این شرایط شکلی را رعایت نکردند، پلیس می‌تواند از برگزاری ممانعت کند. اما این باعث نشده است که نظام اطلاع‌رسانی به نظام مجوزدهی تبدیل شود. نظام هنوز اطلاع‌رسانی است، ولی کماکان آن شرایط باید رعایت شود. مطلب بعدی این است که حق اعتراض باید برابر شود. این مطلب خیلی مهمی است. الان یکی از نقیصه‌های جدی ما این است. این که به گروه‌هایی اجازه داده شود و راه را بر کسان دیگری ببندند، شکل دیگری از محدودسازی است.

مسئله چهارم کیفیت اعتراض است؛ اینکه آیا می‌توان بر آن قیدی گذاشت یا نه؟ اصل ۲۷ فقط قید حمل سلاح را گذاشته است، ولی روشن است که این قید کفایت نمی‌کند. دغدغه قابل درکی است. آن زمان هر قیدی که می‌خواستند بگذارند، این قید تفسیر می‌شد. لذا گفتند که همین مهم را نگه دارید